

مناسبات میلسپو و ارتش ایران (۱۳۲۳ - ۱۳۲۱ش)

جمیله عزیزخواه^۱

چکیده

اشغال ایران توسط نیروهای متفق در شهریور ۱۳۲۰ش / ۱۹۴۱م، موجب از هم پاشیدگی ارتش ایران شد که این مسئله، باعث بروز هرج و مرج داخلی و گسترش ناامنی گردید. در این شرایط، بازسازی ارتش امری جدی و حیاتی به شمار می‌رفت. دکتر آرتور میلسپو، در دی ماه ۱۳۲۱ش / ۱۹۴۳م، به دعوت دولت ایران، برای انجام اصلاحات وارد تهران شد. تهیه و تنظیم بودجه‌ی کشور و رفع کسری آن، از جمله وظایف وی به شمار می‌رفت. میلسپو قصد داشت برای انجام این منظور، از هزینه‌های دولت و بودجه‌های درخواستی وزارتخانه‌ها، به خصوص وزارت ارتش بکاهد. وی معتقد بود با تجدید سازمان ارتش، می‌توان از میزان اعتبارات درخواستی آن کاست. مسأله‌ی اساسی مقاله‌ی پیش‌رو که با استفاده از اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، روزنامه‌ی *اطلاعات* سال‌های ۱۳۲۱ تا ۱۳۲۳ش (۱۹۴۳ تا ۱۹۴۵م) و همچنین توصیف و تحلیل اطلاعات تاریخی تنظیم شده است، بررسی اختلافات میان میلسپو و ارتش می‌باشد.

واژگان کلیدی: وزارت ارتش، درخواست اعتبارات، کسر بودجه، شورش عشایر.

Relations Between Millspaugh and Iranian Army (1943-1945)

Jamileh Azizkhah²

Abstract

The occupation of Iran by Allied Powers in September 1941 caused the disintegration of the Iranian army that led to the chaos and expansion of insecurity. In this condition, the military reconstruction was serious and vital. Having received an invitation from the Iranian government, Dr Arthur Millspaugh entered Iran in 1943. The preparation of the country's budget and fixing its budget deficit was one of the Millspaugh duties. For this purpose, he was going to reduce the government spending and ministry budget request, especially Iran Department of the Army. He believed that the reform of the military organization can reduce the military credit request. The main problem of the present article written based on the National Archives Organization of Iran, Diplomatic History Center of Ministry of Foreign Affairs of Iran and Ettelaat newspaper of 1943-1945 is to examine the differences between Millspaugh and military using a descriptive and analytical method.

Keywords: Department of the army, Credit request, Budget deficit, Nomad's rebellion.

۱. دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ دانشگاه شهید بهشتی.

2. MA Student of the History, Shahid Beheshti University. Email: j.azizkhah@gmail.com

مقدمه

یکی از حادثترین مسائلی که دولت مرکزی ایران از همان ابتدای هجوم متفقین در جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴ - ۱۳۱۸ ش / ۱۹۴۵-۱۹۳۹م)، با آن روبرو شد، مسأله‌ی طغیان عشایر بود. در زمان سلطنت رضاشاه، امنیت و آرامش در کشور حکمفرما، راه‌ها امن و قبایل و عشایر که تا قبل از روی کار آمدن او، حکومت مرکزی را دچار مشکل فراوان کرده بودند، یا کوچانده و یا خلع سلاح شدند. این امنیت، در تمام طول زمامداری وی برقرار بود، ولی در کمتر از یک ماه پس از اشغال کشور توسط نیروهای متفق (۳ شهریور ۱۳۳۰ / ۲۴ اوت ۱۹۴۱)، بار دیگر وضعیت دگرگون شد. هجوم نیروهای نظامی بیگانه به کشور، وجهه و اعتبار حکومت مرکزی را متزلزل کرد. نیروی ژاندارمری، دیگر آن اعتبار قبل از شهریور را نداشت و تقریباً، از هم پاشیده شد. ارتش نیز وضع بهتری از ژاندارمری نداشت. به مجرد اعلان ترک مقاومت از طرف دولت، هزاران سرباز از سربازخانه‌ها فراری شده و سلاح‌ها و مهماتشان را با خود بردند. بدین ترتیب، حدود ۷۰ هزار قبضه تفنگ، به دست مردم و قشون شوروی و انگلیس افتاد. علاوه بر این، دولت ایران هم، تعدادی تفنگ، مسلسل و هلیکوپتر در اختیار متفقین گذاشت. دولت مرکزی، سران عشایر و قبایل را که در تهران تحت نظر و یا زندانی بودند، آزاد کرد. بعضی از سران عشایر که حتی فروغی نخست وزیر هم مایل به آزاد کردن آنها نبود، مانند ناصرخان قشقایی از زندان گریختند.^۳ بنابراین، جای تعجب نبود که بار دیگر، راه‌هایی که در خارج از منطقه‌ی اشغالی نیروهای متفق قرار داشتند، دوباره ناامن شوند. از دلایل شورش عشایر، یکی این بود که رضاشاه بعد از خلع سلاح، آنان را به کارهای کشاورزی مشغول نکرد و دیگر اینکه، حکومت‌های بعد از شهریور ۱۳۳۰، املاک و زمین‌های مصادره شده‌ی آنها را بازپس ندادند.^۴ در این حال، بازسازی ارتش و تأمین پرسنل آن، امری جدی به شمار می‌رفت. در ابتدا سعی شد از سربازان داوطلب استفاده شود، اما تنها عده‌ی کمی حاضر به ثبت نام شدند و دولت ناچار شد تا خدمت نظام اجباری را معمول نماید؛ اما به دلیل عدم برخورداری دولت مرکزی از قدرت سربازگیری در مناطق عشایری و مناطقی که تحت نفوذ شوروی بود، این اقدام به طور کامل عملی نشد. در این دوره، قشون ایران آنقدر ضعیف بود که برای رفع اغتشاش ایل قشقایی در فارس، پیشنهاد شد که سایر ایالات محل را بر ضد قشقایی‌ها مسلح کنند. در آغاز زمستان سال ۱۳۳۰ش، تجزیه‌ی

۳. روزنامه اطلاعات (۲۴ / ۷ / ۱۳۲۲)، شماره ۵۲۹۷، ص ۱.

۴. روزنامه اطلاعات (۸ / ۸ / ۱۳۲۲)، شماره ۵۳۰۸، ص ۱.

ارتش به حد اعلاى خود رسید. در میان افسران ارتش، هنوز افرادی وجود داشتند که از معلومات تکنیکی لازم برخوردار بودند، ولی آنها نیز از اینکه در مدت کوتاهی بتوانند کاری صورت دهند، مأیوس شده و تنها امیدوار بودند که با کمک کارشناسان خارجی، به خصوص آمریکایی‌ها، ارتش را منظم و مقتدر کنند. بدین ترتیب، وزارت جنگ که حتی بودجه‌ی خود را برای مصارف عادی کافی نمی‌دید، به طور مکرر تقاضای بودجه‌ی اضافی، هم برای لشکرکشی به مناطق ناامن و ایجاد امنیت و هم برای بازسازی ارتش می‌کرد.^۵ در این میان، دولت ایران که پس از شهریور ۱۳۲۰ش، با مشکلاتی از قبیل افزایش شدید قیمت‌ها، کسری بودجه، کمبود کالاهای ضروری و غیره مواجه بود، از دکتر آرتور میلسپو، مجدداً برای کمک به بهبود وضعیت اقتصادی کشور، درخواست همکاری کرد. میلسپو پیش از این در سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۶ش (۱۹۲۲ تا ۱۹۲۷م)، با عنوان رئیس کل مالیه‌ی ایران استخدام شده و توانسته بود اقدامات مؤثری در زمینه‌ی اقتصادی انجام دهد و دولت ایران تمایل داشت وی را دوباره استخدام کند. بدین ترتیب، قانون استخدام و حدود اختیارات میلسپو با سمت رئیس کل دارایی ایران، در تاریخ ۲۱ آبان ۱۳۲۱ش / ۱۹۴۲م تصویب شد. وی در دوره‌ی دوم مأموریت خود در ایران، با افراد، سازمان‌ها و وزارتخانه‌های مختلفی از جمله ارتش و وزارت جنگ مواجهه بود. مسأله‌ی که پژوهش حاضر به دنبال بررسی آن است، این است که بودجه‌های درخواستی ارتش چه میزان و برای چه مواردی بود؟ و نظر میلسپو در مورد تجدید سازمان ارتش چه بود؟

کمبود منابع کتابی در مورد موضوع مورد بحث، پژوهشگر را ملزم ساخت تا از منابع دیگری همچون روزنامه‌/اطلاعات، اسناد و مذاکرات مجلس استفاده نماید. طبق ماده ۱۲ قانون استخدام ۲۱ آبان ۱۳۲۱ش، میلسپو باید شرح اقدامات ماهیانه خود را در روزنامه/اطلاعات چاپ می‌کرد. بنابراین، از روزنامه‌/اطلاعات سال‌های ۱۳۲۲ و ۱۳۲۳ش که شرح اقدامات وی و گزارش‌های ماهیانه‌ی او، در زمینه‌های مختلف اقتصادی و نیز ارتش درج گردیده بود، داده‌های مفیدی اتخاذ شد. آن دسته از اسناد مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه‌ی ایران که مربوط به موضوع مورد نظر می‌شد، پژوهشگر را در تنظیم و تکمیل این مقاله یاری نمود. همچنین، از مذاکراتی که مخالفان و موافقان تصمیمات وی در برخی جلسات مجلس دوره‌ی سیزدهم^۶ و چهاردهم^۷ شورای ملی انجام داده‌اند، استفاده شده است.

۵. روزنامه اطلاعات (۱۳۲۲/۷/۲۸)، شماره ۵۳۰۱، ص ۱.

۶. روز ۲۲ آبان ۱۳۲۰ افتتاح و ۱ آذر ۱۳۲۲ به کار خود خاتمه داد.

دخالت نیروهای اشغالگر در کار سربازان ارتش

در جنگ جهانی دوم اگرچه ایران اعلام بی‌طرفی کرد، اما عملاً از سوی نیروهای ارتش متفقین اشغال شد.^۸ حضور بیگانگان، لزوم تقویت ارتش را بیشتر می‌کرد. به دلیل ضعف ساختاری و از هم گسیختگی ارتش، گاهی نیروهای خارجی به‌خصوص ارتش شوروی، خارج از وظایف خود اقدام و در امور داخلی کشور دخالت می‌کردند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد:

در بهمن ماه ۱۳۲۰ش، تعداد ۱۰۸ کله قند بدون پروانه‌ی ورود، که توسط شخصی به نام عبدالکریم کرد مهابادی، از تبریز به زنجان برده می‌شد در شهر میانه توسط مأمورین اداره شهربانی محل متوقف شد و چون مطابق قانون، قند جزء کالاهای انحصاری دولت بود و حمل آن از نقطه‌ای به نقطه دیگر بدون اجازه وزارت دارایی ممنوع و عمل قاچاق محسوب می‌شد، به بخشداری میانه دستور داده شد قندها را با اطلاع کمسیون‌ی از رؤسای دوایر و معتمدین محل به قیمت مشخصی بفروشند؛ اما ۴ نفر از سربازان ارتش سرخ شوروی، به منزل بخشدار رفته و با اصرار و تهدید، ۴۷ کله از قندهای توقیفی را از آنجا خارج و به مهابادی تحویل دادند. وزارت دارایی ایران، به این عمل اعتراض کرده و این قبیل اقدامات را نقض قانون شمرد که تشویق قاچاقچیان را به دنبال دارد.^۹

در یک مورد در اواخر سال ۱۳۲۳ش، بعضی از ژاندارم‌ها از سوی مقامات ایرانی به یک کارخانه‌ی نساجی در شاهی (قائم‌شهر کنونی)، ۱۰۰ مایلی شمال تهران فرستاده شدند تا در اعتصاب آنجا به عنوان گاردهای محافظ وارد عمل شوند. اما سربازان شوروی سر رسیده و اعضای گارد را خلع سلاح کردند.^{۱۰} آنان همچنین در ۱۳ آبان ۱۳۲۱، در رشت یک نفر ژاندارم ایرانی را خلع سلاح کرده، سپس به زور به سرباز خانه برده و بعد از مدتی آزاد کردند.^{۱۱} در قزوین و بندر بوشهر هم مأمورین نظامی شوروی از عبور اتومبیل و مسافر جلوگیری و تقاضای ارائه پروانه عبور کرده^{۱۲} و در قزوین از حرکت سربازان ایرانی به رشت و لاهیجان و زنجان جلوگیری

۷. روز ۶ اسفند ماه ۱۳۲۲ افتتاح و ۲۱ اسفند ۱۳۲۴ خاتمه یافت.

۸. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۳۱ - ۱.

۹. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۳۸ - ۱۴.

۱۰. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۱ - ۹.

۱۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۸ - ۹.

۱۲. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۴۲ - ۱۴.

می نمودند.^{۱۳} در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۰ش، استوار یکم حسینقلی گنجه، دو عدد مسلسل سنگین را کشف کرده و هنگامی که برای تحویل به گروهان امنیه مراغه می برد، در بین راه در شاهی، نیروهای شوروی یکی از مسلسل‌ها را گرفته^{۱۴} و حتی پس از درخواست تحویل از سوی مقامات ایرانی، آن را تحویل ندادند.^{۱۵} مأمورین دول متفق در زمان اقامتشان در ایران و یا سایر کشورها، باید گذرنامه‌های خود را در وزارت امور خارجه به ثبت می‌رساندند.^{۱۶} اما گاهی پیش می‌آمد که برخی مأموران از این اقدام خودداری می‌کردند. به عنوان نمونه چند نفر از مأمورین اداره اقتصاد خارجی دولت آمریکا در ایران، گذرنامه‌های خود را به ثبت نمی‌رساندند.^{۱۷}

تغییر در سازمان ارتش

برای مواجهه با ناامنی در کشور، نیاز بود همکاری کاملی بین وزارت جنگ و وزارت کشور برقرار شود. در این دوره، قوایی که مستقیماً مسئولیت برقراری امنیت کشور را داشتند، عبارت بودند از نیروی شهربانی، ژاندارمری و ارتش. در شهرها حفظ امنیت به عهده‌ی شهربانی بود، اما در طول جنگ لازم بود که هم در تهران و هم در شهرستان‌ها، نیروهای ارتش و شهربانی با یکدیگر همکاری داشته باشند. در شهرستان‌ها و راه‌ها، حفظ امنیت به عهده‌ی نیروی ژاندارمری محول شده بود، اما تعداد افراد ژاندارمری برای انجام وظایف، کافی نبود. از طرف دیگر، افراد ژاندارمری در طول راه‌ها و نقاط مختلف شهرها پراکنده شده و به تنهایی از عهده‌ی برقراری امنیت بر نمی‌آمدند. بدین جهت، به وزارت کشور پیشنهاد شد که با موافقت وزارت جنگ، برنامه و طرحی تهیه نماید که همکاری میان ارتش و ژاندارمری در این مورد به ترتیب شایسته‌ای انجام شود. پیشنهاد دیگر این بود که باید بین قوای ژاندارمری و ارتش ارتباط برقرار شود تا به محض اینکه استاندار یا فرماندار یا رئیس ژاندارمری احساس کرد نیاز به کمک نیروی ارتش دارد، مستقیماً به فرماندهی ارتش یا هنگ تلگراف نماید و فرماندهی هنگ و لشکر نیز در اسرع وقت کمک لازم را برای ژاندارمری بفرستند. در این دوره، وضعیت به گونه‌ای بود که رئیس

۱۳. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۵۲ - ۱۴.

۱۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۴۲ - ۹.

۱۵. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۱۷ - ۹.

۱۶. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۶، پرونده ۱۱ - ۵-۶.

۱۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۶، پرونده ۱۱-۵-۶.

ژاندارمری، ابتدا به مافوق خود و سپس به ژاندارمری مرکزی گزارش می‌داد و ژاندارمری مراتب را به وزارت کشور اطلاع و وزارت کشور نیز مشغول مکاتبه با وزارت جنگ می‌شد و بعد از وزارت جنگ، به لشکر اطلاع می‌دادند که در مورد مسئله‌ای به ژاندارمری کمک شود.^{۱۸} این نیاز کاملاً احساس می‌شد که باید مسئولیت‌های ارتش و ژاندارمری کاملاً روشن شود، زیرا برای تأمین امنیت راه‌ها، کاملاً مشخص نبود که مسئولیت ژاندارمری و مسئولیت قوای ارتش تا چه اندازه می‌باشد. پیشنهادی که برای حل این مشکل شد، این بود که باید یک کمیسیون عالی، برای مشخص کردن مسئولیت و حدود اختیارات این دو نیرو که عهده‌دار تأمین امنیت عمومی در خارج از شهرها بودند، تشکیل شود. با توجه به شرایط نابسامان نظامی، از وزیر جنگ بارها درخواست شد که امور وزارت جنگ را کاملاً تحت اختیار خود بگیرد و اجازه ندهد افراد غیر مسئول در امور ارتش دخالت کنند.^{۱۹} در این میان، انحلال قوای چریکی نیز از مسائل مهم دیگری بود که در حفظ امنیت و آرامش کشور نقش داشت. ژاندارمری به ناچار برای برقراری امنیت در برخی مناطق، گروه‌هایی چریکی به وجود آورده بود، اما خود این چریک‌ها گاهی اوقات ایجاد مشکل می‌کردند. بنابراین، شایسته نبود با وجود بودجه‌ای که صرف نیروی ارتش و ژاندارمری می‌شد، برای حفظ امنیت برخی نقاط از چریک‌ها استفاده شود. لازم بود ارتش و ژاندارمری با هم همکاری کرده و این چریک‌ها را منحل و آنان را خلع سلاح کنند.^{۲۰}

در سال ۱۳۲۲ش، هنگامی که سپهبد امیر احمدی، وزیر جنگ بود، طبق دستور محمدرضا پهلوی، ستاد ارتش که از وزارت جنگ جدا بود، جزء وزارت جنگ و تحت اداره‌ی آن قرار گرفت.^{۲۱} وزارت جنگ که نیاز به یک ارتش نیرومند و ملی را احساس می‌کرد، به طور مکرر بودجه‌ی درخواستی خود را افزایش می‌داد. اما مشکل آن با افزایش بودجه حل نمی‌شد، زیرا عامل موثر در ایجاد یک ارتش نیرومند، یعنی انضباط که بایستی در ارتش حکمفرما می‌شد از بین رفته بود، اعضای ارتش وارد احزاب مختلف سیاسی شده و اقدام به تشکیل حزب می‌کردند. همچنین عدم

۱۸. روزنامه اطلاعات (۲۴/۳/۱۳۲۳)، شماره ۵۴۹۲، ص ۱.

۱۹. جلال عبده، *چهل سال در صحنه*، ج ۲، ویرایش و تنظیم: مجید تفرشی (تهران: رسا، ۱۳۶۸)، ص ۱۰۴۴.

۲۰. روزنامه اطلاعات (۲۴/۳/۱۳۲۳)، ش ۵۴۹۲، ص ۱.

۲۱. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۶/۲۵/۱۳۲۳)، جلسه ۷۲.

تشویق افراد با صلاحیت، بی‌مجازات ماندن مقصرین و از کار برکنار کردن افسران تحصیل کرده، از جمله عواملی بودند که باعث بروز نابسامانی در این قسمت می‌شدند.^{۲۲}

پس از مدتی، شهربانی، ارتش و ژاندارمری به دست مستشاران آمریکایی سپرده شدند تا به وضعیت آشفته‌ی آنان رسیدگی شود. سرهنگ شوارتسکف،^{۲۳} رئیس سابق اداره‌ی پلیس نیوجرسی آمریکا که در ادارات شهربانی آمریکا به خورد کننده اشعار معروف بود،^{۲۴} رسماً برای فرماندهی شهربانی ایران دعوت شد و تجدید سازمان آن را بر عهده گرفت. شهربانی نیوجرسی به دلیل زحمات او منظم شده بود.^{۲۵} سرهنگ تیمرمن^{۲۶} به عنوان مستشار ژاندارمری^{۲۷} و ژنرال ریدلی^{۲۸} نیز به عنوان مستشار ارتش استخدام شدند.^{۲۹} هارولد گراشام^{۳۰} نیز به ریاست اداره‌ی کل گمرک کشور منصوب شد.^{۳۱} در این میان، خود وزارت جنگ هم که از وضعیت موجود، به خصوص وضعیت نظام وظیفه، به ستوه آمده بود، یک لایحه‌ی اصلاحی، تنظیم و به مجلس تقدیم کرد.^{۳۲} اما با وجود مستشاران آمریکایی، باز وضعیت ارتش بهبود نیافت.

درخواست‌های مکرر وزارت جنگ برای بودجه‌ی بیشتر، از مهمترین مسائل پیش روی میلسیو بود. عشایر دوباره مسلح شده بودند و این مسأله جنگ داخلی را ناگزیر می‌ساخت. نظر میلسیو این بود که ارتش قبل از هر چیز، نیاز به کاهش نفرت و سپس بازسازی و تجدید آموزش دارد. از نظر او، باید ارتش را همراه با تشکیلات آن به کلی منحل کرده و ژاندارمری را به منظور حفظ امنیت در سراسر کشور مجهز نمود.^{۳۳} به اعتقاد وی، ارتش ایران در وضعیت

۲۲. عبده، ج ۲، ص ۱۰۴۴.

23. Schwarzkopf

۲۴. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲/۲، پرونده ۱۵-۵۷.

۲۵. سر ریدر بولارد، *شترها باید بروند*، ترجمه حسین ابوترابیان (تهران: نشر نو، ۱۳۶۲)، ص ۸۸.

26. timerman

۲۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲/۲، پرونده ۱۲-۵۷.

28. ridley

۲۹. *گذشته چراغ راه آینده است*، پژوهش گروهی جامی، ویراستار: بیژن نیک بین (تهران: نیلوفر، ۱۳۶۲)، ص

۱۷۶.

30. Harold grasham

۳۱. گریگوری لوویچ بوندارفسکی، *تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران* (تهران: آلفا، ۱۳۵۸)، ص ۲۲.

۳۲. مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۹)، جلسه ۱۶۳.

۳۳. آرتور میلسیو، *آمریکاییها در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی (تهران: نشر البرز، ۱۳۷۰)، ص ۱۴۶.

کنونی‌اش زائد و اتلاف‌کننده‌ی بودجه‌ی کشور بود و چنانچه افزایشی در بودجه‌ی آن اعمال می‌شد، هرگونه پیش‌بینی قابل ملاحظه‌ای جهت توسعه‌ی کشاورزی، فرهنگ و بهداشت غیرممکن بود؛ بنابراین ارتش نیازمند تجدید سازمان اساسی بود،^{۳۴} زیرا به رغم اصلاحات ظاهری صورت گرفته در آن، هنوز در دستگاه دولت بیشترین ولخرجی را داشت.^{۳۵}

طبق قانون استخدامی ۲۱ آبان ۱۳۲۱، میلسپو به عنوان رئیس دارایی ایران از دخالت در سیاست منع شده^{۳۶} و حل مسأله‌ی عشایر در حدود اختیارات او نبود. تنها زمانی با وظایف وی ارتباط پیدا می‌کرد که این مسأله، موجب انحراف و جوه عمومی از عملیات اساسی دولت، پیشرفت کشاورزی و بهداشت و فرهنگ می‌شد.^{۳۷} در این دوره، ارتش و ژاندارمری تقریباً نیمی از جوه دولتی را دریافت می‌کردند. وی قصد داشت در تنظیم بودجه‌ی ۱۳۲۳ش، بیش از هر چیز، کشاورزی، فرهنگ و بهداشت را در نظر بگیرد. به اعتقاد او، اگرچه برقراری نظم و امنیت در سایه‌ی یک قدرت مقتدر ایجاد می‌شد، اما تشکیل ارتش مقتدری که بتواند با کلیه‌ی پیشامدهای غیرمنتظره مواجه شود، نیازمند هزینه‌ی اضافی نبود و بدون ازدیاد بودجه‌ی ارتش، یعنی مصروف کردن وجوهی که برای پیشرفت کشاورزی، فرهنگ و بهداشت مورد نیاز بود نیز ارتش تقویت می‌شد. برای نیل به این هدف، باید از کمیت ارتش کاسته می‌شد تا با تجهیزات و افسران بهتری اداره شود.^{۳۸}

سید ضیاءالدین طباطبایی که توسط رضا شاه در سال ۱۳۰۰ش، به فلسطین تبعید شده بود، در سال ۱۳۲۲ ش به ایران بازگشته و حزب اراده ملی را تأسیس و نماینده‌ی مجلس دوره‌ی چهاردهم شورای ملی شد.^{۳۹} در این دوره، سیدضیاء همراه با سایر گروه‌های طرفدار انگلیس و آمریکا، از میلسپو حمایت می‌کرد؛ وی جزء معدود کسانی بود که با میلسپو در مورد تقلیل ارتش موافق و وی را برای دستیابی به این هدف تشویق می‌کرد. سیدضیاء بدون هیچ تقاضایی از طرف میلسپو، به وی گفته بود که قصد دارد قانون اساسی را حفظ کرده، شاه را سر

۳۴. روزنامه اطلاعات (۱۶/۳/۱۳۲۳)، ش ۵۴۸۵، ص ۱.

۳۵. میلسپو، ص ۱۵۷.

۳۶. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۲۲/۵/۱۳۲۳)، جلسه ۵۰.

۳۷. روزنامه اطلاعات (۱۹/۳/۱۳۲۲)، ش ۵۱۹۲، ص ۱.

۳۸. روزنامه اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۲۰/۱۰/۱۳۲۲). شماره ۵۳۶۷، ص ۱.

۳۹. ایرج ذوقی، *ایران و قدرتهای بزرگ در جنگ جهانی دوم* (تهران: پازنگ، ۱۳۶۸)، ص ۹۲.

جای خودش بنشانند و جلوی دخالت‌های دربار را در امور مجلس و دولت بگیرد. وی که نمی‌خواست محمدرضا نیز مانند رضا شاه با افزایش قدرت نظامی، تبدیل به یک دیکتاتور شود، ادعا می‌کرد که توانایی ایستادن در مقابل ارتش را دارد و باید ارتش منحل شده، به جای آن ژاندارمری تقویت و گسترش یابد.^{۴۰} هدف اصلی حزب اراده‌ی ملی، مخالفت با دیکتاتوری و مبارزه با عوامل ایجاد کننده‌ی آن بود. وضع و اجرای قانون مخصوص برای تشکیل شورای عالی و شوراهای محلی عشایر، تأسیس یک اداره‌ی عشایر در وزارت جنگ به منظور استقرار امنیت در زمینه‌ی آموزش و پرورش و اسکان عشایر، از جمله موارد مرامنامه‌ی حزب اراده‌ی ملی بود.^{۴۱}

برخی نمایندگان می‌گفتند که مدت ۲۴ سال، تمامی منابع مالی و اقتصادی این مملکت صرف ارتش گردید که در شهریور ۱۳۲۰ نتایج آن دیده شد. ژاندارمری غیر از پرونده‌سازی و دسیسه بر ضرر مردم کشور اقدام موثری انجام نداده است. به زعم آنها، دفتر اداره‌ی شهربانی نیز کارمندان فراوانی دارد که غیر از جاسوسی و تهیه‌ی گزارش‌های جعلی برای تقدیم به مقامات و کسب منفعت کاری ندارد و در این ۲۰ سال نه تنها به عشایر توجهی نشده، بلکه مردمی را که چندین قرن با خون خود کشور را حفظ کردند، شکنجه دادند.^{۴۲}

دکتر جلال عبده نماینده‌ی مردم تهران در مجلس چهاردهم شورای ملی که از جمله موافقان تغییرات ارتش بود، اصرار داشت برای رفع مشکل اداری نیروهای نظامی، باید مسئولیت ارتش و ژاندارمری کاملاً مشخص شده، یک ارتش نیرومند ملی تشکیل گردد. در ارتش فعالیت حزبی متوقف و اوضاع به گونه‌ای اصلاح شود که تنها وزیر جنگ حق دخالت در وزارت جنگ را داشته باشد. همچنین باید مشخص شود که فرماندهی با چه کسی است.^{۴۳} برخی هم سازمان‌هایی مثل دادرسی و بازرسی ارتش را زائد و بر حذف آنان تأکید داشتند.^{۴۴}

۴۰. میلسیو، ص ۱۵۹.

۴۱. بهروز طیرانی، اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده) ج ۲ (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری

اسلامی ایران، ۱۳۸۴)، ص ۵۷.

۴۲. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۱/۲۶ / ۱۳۲۳)، جلسه ۱۸.

۴۳. عبده، ج ۲، ص ۱۰۴۵.

۴۴. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۷/۲۳ / ۱۳۲۳)، جلسه ۷۱.

این اظهارنظرها وزارت کشور را بر آن داشت که اطلاعیه‌ای صادر نماید، مبنی بر اینکه اگر مشاجرات ایجاد شده در مورد تجزیه‌ی ژاندارمری از ارتش، ادامه داشته باشد، هم به ضرر هر دو وزارتخانه و هم به ضرر امنیت کشور خواهد بود؛ زیرا در زمان جنگ، ژاندارمری باید طبق مقررات، تابع ارتش باشد. پس باید به جای ایجاد نظام جدید، نظام فعلی سازمان داده می‌شد، زیرا هر تغییر جدیدی که در دوره جنگ به آزمایش درآید، نتیجه‌اش به ضرر کشور خواهد بود.^{۴۵} طبق آئین‌نامه‌ی ژاندارمری، این اداره جزء لاینفک ارتش بود و تا زمانی که این آئین‌نامه استوار بوده و افسران ارتش در رأس آن قرار داشتند، هر سیستم تازه‌ای که به آزمایش درمی‌آمد، ممکن بود مورد انتقاد افسران واقع شود. ژاندارمری باید به گونه‌ای می‌بود که در موقع نیاز، عملیات آن رسماً به دست ارتش محول شده و پس از برقراری وضعیت عادی، افراد ژاندارمری به کارهای سابق خود مشغول شوند. از آنجا که قوانین نظامی ایران طبق قوانین فرانسه و بلژیک وضع شده بود، ژاندارمری باید در عملیات نظامی تابع ارتش بوده و افسران آن از ارتش گرفته می‌شدند. در کارهای کشوری نیز، آنان باید تابع وزارتخانه‌هایی مانند وزارت کشور و وزارت دادگستری می‌بودند.^{۴۶}

مسأله عشایر

پس از شهریور ۱۳۲۰، عشایر در نقاط مختلف کشور ایجاد ناامنی می‌کردند. به عنوان مثال به دلیل کمبایی گندم پانصد نفر سوار و فرمانده عشایر مقیم مهاباد، در بازار به سراغ یک تاجر رفته و مقداری گندم و قند اتباع عراقی را غارت کردند. اگرچه شهربانی مقدار زیادی از این کالاها را جمع و به صاحبانشان تحویل داد، اما بسیاری از کردهای مهاباد مقداری از اجناس وارده از عراق را بابت رفع نیاز خود می‌ربودند.^{۴۷} امنیت این شهر به وسیله کشیکچی‌هایی که در محله‌های معین مستقر بودند، تأمین می‌شد.^{۴۸} غارتگری‌های کردهای مسلح موجب هراس و وحشت مردم شده بود. کردها به خصوص آسوری‌ها دوباره مسلح شده و قتل و غارت می‌کردند.^{۴۹} شهربانی

۴۵. صفاءالدین تبرائیان، *ایران در اشغال متفقین* (تهران: رسا، ۱۳۷۱)، ص ۵۳۶.

۴۶. همان، ص ۵۳۷.

۴۷. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۹-۷.

۴۸. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۹-۷.

۴۹. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۲-۷.

رضاییه (ارومیه) راجع به قتل و غارت کردها در ماکو به طور مداوم به تهران شکایت کرده و درخواست نیرو می‌نمود.^{۵۰} با اینکه وزیر جنگ و مأمورین شوروی مشترکاً متعهد شده بودند که پست‌های امنیتی ایجاد کنند، اما این موضوع عملی نشد.^{۵۱}

عشایر به طور کلی شکایاتی داشتند که مربوط به دوره‌ی پهلوی اول می‌شد. از دلایل شورش آنان به طور عمده می‌توان به این موارد اشاره کرد: (۱) در دوره رضاشاه به آنان ظلم شده و املاک آنان توسط دولت تصرف شده بود. (۲) بی‌اعتمادی عشایر و روسای ایلات نسبت به وعده‌های مسئولین (۳) تعلق نگرفتن خوار و بار و اجناس انحصاری به آنان. بنابراین عشایر اسلحه به دست گرفته و جنگ و ستیز را وسیله‌ی رسیدن به درخواست‌هایشان قرار دادند. دولت قصد داشت آنان را خلع سلاح نماید. با رسیدگی دولت به درخواست گروه‌های عشایر، بخشی از امنیت کشور تأمین می‌شد، زیرا اساس امنیت عدالت است و برقراری امنیت با اسلحه میسر نبود. در این مورد به دولت پیشنهاد شد یک شورای عالی عشایر در تهران تشکیل گردد تا به مسأله‌ی عشایر رسیدگی شود و باید املاک و دارایی‌های عشایر به آنان پس داده و به مطالباتشان رسیدگی شود.^{۵۲}

ارتش برای مواجهه با عشایر که ایجاد ناامنی و هرج و مرج می‌کردند، تقاضای بودجه‌ی اضافی داشت تا بتواند برای مواجهه با این قبیل مشکلات آماده شود. اما میلسیو با درخواست بودجه‌ی ارتش موافقت نمی‌کرد، زیرا معتقد بود به جز عده‌ی معدودی از عشایر، سایرین یک زندگانی آسوده را به راهزنی و آشوب ترجیح می‌دهند، ولی هنگامی که آنان از منافع و خدمات دولتی برخوردار نبوده و هیچ‌گونه قدمی برای کشاورزی، فرهنگ و بهداشت آنها برداشته نمی‌شود و وقتی قند، چای و پارچه دریافت نمی‌کنند، حق دارند شکایت داشته باشند. به نظر او، با اینکه گفته می‌شد عشایر مسلح هستند و همین که نیروهای متفق از ایران خارج شوند، شورش خواهند کرد، اما این مسئله نیاز به رسیدگی مسالمت‌آمیز داشت.^{۵۳} با این وجود ارتش در

۵۰. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۳۴، پرونده ۲۹-۵.

۵۱. مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۲-۷.

۵۲. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۱/۲۶ / ۱۳۲۳)، جلسه ۱۸.

۵۳. اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۰/۲۰ / ۱۳۲۲)، شماره ۵۳۶۶، ص ۱.

سال ۱۳۲۲ش، برای جنگ با عده‌ای از یاغیان عشایر قشقایی و بویر احمدی به جنوب لشکر کشی کرد که ۳۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال هزینه داشته و نتیجه آن واقعه سمیرم^{۵۴} بود.^{۵۵}

میلسپو اعتقاد داشت تقویت ارتش برای مواجهه با عشایر شورشی نیاز به تغییرات ساختاری دارد نه بودجه‌ی بیشتر؛ به همین دلیل برای تهیه و تصویب بودجه‌ی سال ۱۳۲۳ش، امکان اختصاص اعتبارات بیشتر برای هیچ وزارتخانه‌ای میسر نبود. به اعتقاد وی نیاز هر وزارتخانه‌ای باید با نیازهای وزارتخانه‌های دیگر مقایسه می‌شد.^{۵۶} نمایندگان در دفاع از حقوق عشایر می‌گفتند که آنان ثلث جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند،^{۵۷} اگر زمین‌های عشایر به آنها باز پس داده شود، آنان دست از مخالفت خواهند کشید. دولت با کمک عشایر بختیاری، قشقایی و بویر احمدی توانست ۲۰۰۰ تفنگ را که در واقعه سمیرم به دست مردم افتاده بود، در جنوب کشور جمع‌آوری کند.^{۵۸} به نظر دکتر مصدق، دولت نمی‌توانست عشایر را با زور و تفنگ مطیع نماید، بلکه آنان با رواج علم و فرهنگ مطیع می‌شوند.^{۵۹} در خصوص بهبود وضعیت عشایر از سوی دولت به آنان کالاهایی مثل قند، شکر، چای و غیره داده شد. همچنین لایحه استرداد املاک ایلات در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۲۳ش، تقدیم مجلس شد.^{۶۰}

بودجه وزارت جنگ

میلسپو به عنوان رئیس کل دارایی ایران، طبق قانون استخدامی ۲۱ آبان ۱۳۲۱ش، برای بررسی امور مالی و اقتصادی ایران، اجازه داشت مستقیماً از ادارات کل و قسمت‌های تابعه وزارت دارایی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۵۴. سمیرم شهری در جنوب استان اصفهان است. نبرد سمیرم، جنگ فاجعه بود که در اوایل تیر ۱۳۲۲ بین نیروهای قشقایی و بویراحمدی با یک ستون از قوای لشکر ۹ اصفهان رخ داد. طی این جنگ، نیروهای ارتشی توسط عشایر محاصره شده و به علت نرسیدن قوای کمکی همگی قتل‌عام شدند. در نهایت، پادگان سمیرم به دست عشایر شورشی افتاده و غارت شد.

۵۵. مذاکرات مجلس چهارده (۲۶ / ۶ / ۱۳۲۳)، جلسه ۶۱

۵۶. اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۲۰ / ۱۰ / ۱۳۲۲)، شماره ۵۳۶۶، ص ۱.

۵۷. مذاکرات مجلس چهارده (۲۶ / ۱ / ۱۳۲۳)، جلسه ۱۸.

۵۸. مذاکرات مجلس چهارده (۲۶ / ۶ / ۱۳۲۳)، جلسه ۶۱.

۵۹. مذاکرات مجلس چهارده (۹ / ۹ / ۱۳۲۳)، جلسه ۷۹.

۶۰. مذاکرات مجلس چهارده (۲۹ / ۱۱ / ۱۳۲۳)، جلسه ۱۰۵.

و وزارتخانه‌های دیگر هرگونه اطلاعاتی که را که نیاز دارد، تحصیل نماید.^{۶۱} وی در دوره اول مأموریتش در ایران، با سمت رئیس کل مالیه ایران «سازمان تفتیش و بازرسی کل» را ایجاد کرد که با استفاده از آن می‌توانست به بازرسی مالی هر اداره و وزارتخانه‌ایی که می‌خواست بپردازد. این یکی از دلایل اختلاف بین میلپسو و رضاشاه بود، زیرا درخواست تفتیش و بازرسی مالی وزارت جنگ، رضاشاه را بسیار ناراحت می‌ساخت.^{۶۲} وی همچنین در آن دوره، با بودجه‌ی فراوان ارتش مخالفت می‌کرد. یکی از دلایلی که موجب شد رضاشاه از میلپسو کینه به دل گرفته و با ادامه‌ی کار او موافقت نکند، به سال ۱۳۰۵ش باز می‌گشت. در این سال رضاشاه برای سرکوب افراد پادگان مراوه تپه و رسیدگی به اعمال سر تیپ جان محمدخان، عازم استان خراسان بود^{۶۳} و یکصد هزار تومان، هزینه‌ی سفر می‌خواست. میلپسو به عنوان رئیس کل مالیه‌ی ایران، به دلیل اینکه چنین مبلغی در بودجه‌ی مصوب مجلس نیست، از پرداخت آن وجه خودداری کرد. رضاشاه از این اقدام میلپسو بسیار خشمگین شد و مجبور گشت مبلغ درخواستی را از بانک شاهی وام بگیرد.^{۶۴}

در این دوره نیز میلپسو در امر تصویب، پرداخت و بازرسی بودجه‌ی وزارتخانه‌های مختلف اختیارات فراوانی کسب کرد.^{۶۵} بودجه‌ی وزارت جنگ به تنهایی در سال ۱۳۲۱ بالغ بر ۷۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بود که در سال ۱۳۲۲ش، بمیزان ۱/۲۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال افزایش یافت؛ یعنی ۵۲۰ میلیون ریال دیگر به آن اضافه شد و از آنجا که بودجه‌های وزارتخانه‌ها در سال ۱۳۲۲ش، کسر داشت و اقدامی برای کاهش هزینه‌ها به عمل نیامد، واضح بود که این مبلغ اضافه را دولت نمی‌توانست از بانک ملی قرض کند. بنابراین، ناچار بود از انجام برخی تعهدات خود خودداری نماید.^{۶۶} گفته می‌شد این اعتبارات درخواست شده برای تأسیسات جدیدی است که کاملاً به مصلحت کشور می‌باشد، زیرا پس از قضایای شهریور، قوای نظامی شمال شرق و شمال غرب، متفرق شده، بنابراین دولت در صدد است در هریک از شهرهای اردبیل، رضائیه

۶۱ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۴۱، پرونده ۱۴-۴.

۶۲ میلپسو، ص ۱۵.

۶۳ حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، ج ۴ (تهران: علمی، ۱۳۷۴)، ص ۳۰۶.

۶۴ باقر عاقلی، میرزا احمدخان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی (تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۷)، ص

۲۳۲.

۶۵ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۲، پرونده ۶-۶۸.

۶۶ روزنامه اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۲)، ش ۵۱۶۸، ص ۱.

(ارومیه)، تربت جام، مشهد و بهبهان که در این مناطق سازمان نظامی وجود نداشت، یک تیپ و در مهاباد یک هنگ تشکیل دهد. به همین دلیل پس از مذاکراتی که دولت ایران با دولت‌های متفق انجام داد، قرار شد تا در نقاط شمالی و شمال غرب و شمال شرق کشور تیپ‌هایی تشکیل شود.^{۶۷} در این میان، برای دولت گرفتن وام مجدد از بانک ملی ممکن نبود، زیرا وام‌های گرفته شده و خرج آنها به اندازه‌ی مخارج متفقین در ایران موجب تورم شده بود.^{۶۸}

در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۲، وزیر جنگ، برای مخارج وزارت جنگ، درخواست در حدود ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اعتبار کرد. وی پرداخت این مبلغ را برای تقویت روحیه‌ی افسران ارتش واجب و ضروری می‌دانست. بدین ترتیب، به وزارت دارایی دستور داده شد که این مبلغ را برای بودجه‌ی ۱۳۲۲ش وزارت جنگ، در نظر بگیرد تا از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد.^{۶۹} افزایش قیمت اجناس و لزوم اضافه کردن حقوق سربازان، دلایل تصویب چنین لایحه‌ای بود. این اقدام موجب افزایش کسر بودجه‌ی کشور شد.^{۷۰}

طی اقدامی دیگر، مجلس چهاردهم، در تاریخ ۶ شهریور ۱۳۲۲، به وزارت جنگ اجازه داد در حدود ۱/۵۰۰/۰۰۰ هزار دلار اسلحه، مهمات، لاستیک و دارو از آمریکا خریداری کند. قرار شد که هزینه‌ی این اقلام، در اسفند ۱۳۲۳، از سوی دولت پرداخت شود.^{۷۱}

میلپسو با این اقدامات زیاد موافق نبود. نظر وی این بود که اگر دولتی در عملیات مالی خود با کسر بودجه مواجه شود، باید بی‌درنگ اقدامات لازم را برای ازدیاد درآمد خود و حذف هزینه‌های غیر ضروری انجام دهد؛ زیرا در غیر این صورت کسر بودجه‌ی دولت به تدریج زیادتر شده و جلوگیری و رفع آن مشکل‌تر گشته و دیگر نمی‌تواند از بانک ملی وام بگیرد. بنابراین، او تصمیم گرفت برای جلوگیری از کسر بودجه‌ی سال ۱۳۲۲ش، مقداری از بودجه‌ی درخواستی وزارتخانه‌های مختلف را کاهش و درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد. همچنین مقداری از منافع موسسات تجاری و کارخانجات را برای دولت تحصیل نماید.^{۷۲} بنابراین ابتدا برای کاستن از

۶۷ مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران، سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۲، پرونده ۵-۶۸

۶۸ روزنامه اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۱)، ش ۱۶۷، ص ۱.

۶۹ مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی (۱۳۲۲ / ۳ / ۳)، جلسه ۱۶۴.

۷۰ روزنامه اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۴ / ۲۷)، ش ۵۲۲۴، ص ۳.

۷۱ مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی (۱۳۲۲ / ۶ / ۶)، جلسه ۱۸۶.

۷۲ روزنامه اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۶)، ش ۵۲۴۷، ص ۱.

هزینه‌ی وزارتخانه‌ها درخواست کرد هریک از آنان هزینه‌های پیشنهادی خود را تقدیم کنند تا هزینه‌های اضافی در بودجه حذف شود. وی برای تعیین بودجه‌ی سال ۱۳۲۲ش، از سهیلی، نخست وزیر وقت درخواست کرد به وزارتخانه‌های مختلف دستور دهد، بودجه‌های خود را جمعاً در حدود ۶۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال نسبت به اعتبارات سال ۱۳۲۱ش کسر کنند.^{۷۳} بیشترین تأکید او بر وزارت ارتش بود، زیرا ارتش نه تنها هزینه‌ی درخواستی خود را کاهش نمی‌داد، بلکه تقاضای افزایش بودجه را نیز داشت. اما با توجه به شرایط جنگ که تورم را به دنبال داشت، وزارتخانه‌ها نمی‌توانستند بودجه‌ی خود را کاهش دهند. بنابراین میلسیو لایحه‌ی بودجه‌ی ۱۳۲۲ش را تنظیم و به مجلس تقدیم کرد که طی آن بودجه‌های درخواستی وزارتخانه‌ها را کاهش داده بود. اما به دلیل اعتراضات فراوان به این اقدام، کمیسیون بودجه با این لایحه موافقت نکرد.^{۷۴} بدین ترتیب، میلسیو به ناچار مقداری به اعتبارات درخواستی اضافه کرد.^{۷۵} دشتی، نماینده مجلس سیزدهم در یکی از جلسات نسبت به عدم همکاری وزارتخانه‌ها و بخش‌های مختلف دولتی اعتراض کرد: «تقصیر ما این است که نه به کم کردن خرج کمک کرده‌ایم و نه در مورد زیاد کردن دخل به دکتر میلسیو کمک کرده‌ایم.»^{۷۶}

در سال ۱۳۲۳ش، وزارت جنگ علاوه بر بودجه خود، ۱۵۰/۰۰۰/۰۰۰ میلیون ریال اعتبار درخواست کرد، زیرا قصد داشت تعداد افراد ارتش را از ۸۳ هزار نفر به ۹۰ هزار نفر افزایش دهد.^{۷۷} به این وزارت پیشنهاد شد که برای صرفه‌جویی در هزینه‌هایش به خدمت مستشاران خارجی در وزارت جنگ پایان دهد خاتمه دهد، اما پذیرفته نشد.^{۷۸}

به دلیل کمبود اعتبارات، میلسیو به وزیر دارایی اطلاع داد که با درخواست وزارت جنگ به دو شرط موافقت می‌نماید: (۱) مبلغ مزبور از بانک ملی وام گرفته شود (۲) نیروی ارتش از ۹۰۰۰۰ نفر کمتر باشد.^{۷۹} بنابراین لایحه‌ی اعطای ۱۵۰ میلیون ریال بودجه به وزارت جنگ و افزایش نفقات آن به ۹۰ هزار نفر با ۷۶ رأی موافق از ۹۰ نماینده‌ی حاضر در مجلس تصویب

۷۳. اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۱)، ش ۵۱۶۷.

۷۴. اطلاعات، گزارش ماهیانه رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۷)، ش ۵۲۴۹، ص ۴.

۷۵. اطلاعات (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۲)، ش ۵۲۴۵، ص ۱.

۷۶. اطلاعات (۱۳۲۲ / ۶ / ۲۴)، ش ۵۲۷۳، ص ۱.

۷۷. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۱۳۲۳ / ۷ / ۳۰)، جلسه ۷۳.

۷۸. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۱۳۲۳ / ۶ / ۲۵)، جلسه ۷۲.

۷۹. میلسیو، ص ۱۵۷.

شد. مقرر شد که وزارت جنگ این مبلغ را از بانک ملی وام گرفته و در سال‌های ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ش، آن را از محل صرفه‌جویی‌های بودجه وزارت جنگ و صرفه‌جویی بودجه کل کشور پس دهد.^{۸۰} ولی هیچ نماینده‌ای کاهش نفقات ارتش را دنبال نکرد. شاه نیز به این قانون توجهی ننمود. میلسپو در این باره می‌گوید: «شاه بعداً به من اظهار داشت که معنی این قانون این است که حداقل نفقات ارتش باید ۹۰۰۰۰ نفر باشد. بدیهی است او هنوز در فکر افزایش و گسترش ارتش بود.»^{۸۱} به نظر دکتر مصدق، به دلیل حضور نیروهای متفق در ایران نیازی به افزایش نفقات ارتش و خدمت نظام وظیفه به مدت ۲ سال نبود، بلکه برای تأمین امنیت داخلی باید تعداد ژاندارم‌ها را افزایش می‌دادند.^{۸۲} سرانجام در تاریخ ۳ اسفند ۱۳۲۳، قانون تقلیل مدت نظام وظیفه به یک سال تصویب شد.^{۸۳}

در این میان ساعد مراغه‌ای، نخست وزیر بعدی نیز مانند سهیلی مایل نبود با خواسته‌های شاه مخالفت کند. میلسپو هم امیدوار بود که نظراتش در مورد ارتش، موجب ناراحتی شاه نشود: «خود من هم امیدوار بودم از تکدر خاطر ملوکانه اجتناب کنم، ولی ضمناً مایل بودم تقلیل نفقات ارتش را عملی سازم اولاً به خاطر تعادل بودجه و پرداخت وام‌ها، ثانیاً برای تسهیل در پرداخت وجه، پیشرفت کشاورزی و خدمات اجتماعی.» اما برای او ارتش یک تهدید سیاسی محسوب می‌شد؛ میلسپو نگران بود با تقویت ارتش، شاه جوان نیز مانند رضاشاه به یک مانع بزرگ در راه اصلاحات وی تبدیل شود.^{۸۴}

میلسپو در مصاحبه با سردبیر روزنامه‌ی رعد/مروزر اعلام کرد که ارتش ایران در وضعیت کنونی‌اش زائد و اتلاف‌کننده‌ی بودجه‌ی کشور بوده و نیازمند تجدید سازمان اساسی می‌باشد. پس از این مصاحبه، وزارت جنگ در تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۲۳، نامه‌ای برای درج در روزنامه‌ی اطلاعات با این مضمون ارسال کرد که «معلوم نیست مطابق با چه اصلی دکتر میلسپو که مستخدم دولت ایران می‌باشد به خود اجازه داده ارتش را زائد معرفی کند؛ درحالی که تصور می‌رود، زائد بودن ارتش ایران بسته به نظر دولت و مجلس شورای ملی است و جز این دو مقام

۸۰. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۲/ ۸ / ۱۳۲۳)، جلسه ۷۴.

۸۱. میلسپو، ص ۱۵۸.

۸۲. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۹/ ۹ / ۱۳۲۳)، جلسه ۷۹.

۸۳. مذاکرات مجلس چهاردهم شورای ملی (۳/ ۱۲ / ۱۳۲۳)، جلسه ۱۰۷.

۸۴. میلسپو، ص ۱۵۶.

هیچکس اجازه و صلاحیت چنین تشخیصی را ندارد.» در این نامه، ذکر شده بود که میلسیو به عنوان رئیس کل دارایی، از دستگاه عریض تثبیت قیمت‌ها با هزاران کارمند و میلیون‌ها ریال بودجه، نتوانسته بهره‌ی کافی را برده و قیمت‌ها را تثبیت کند و نیز آمده بود که حفظ و برقراری امنیت در سراسر ایران نه تنها به دلیل شرایط روز، بلکه برای آینده‌ی کشور اهمیت حیاتی داشته و توسعه‌ی کشاورزی و یا فرهنگ و بهداشت قبل از هر چیز نیازمند امنیت و آرامش است و برقراری امنیت و آرامش جز در سایه‌ی سرنیزه‌های ارتش امکان پذیر نیست. همچنین گفته شد که پیشرفت و کامیابی در هر یک از شئون اجتماعی و اقتصادی کشور تنها بسته به وجود ارتش نیرومندی است که پشتیبان و حافظ امنیت باشد؛ بنابراین نگهداری ارتش، نیازمند مخارجی است که به علل مذکور نمی‌توان نام آن را اتلاف پول گذاشت. در ادامه، درج شده بود، اینکه ارتش احتیاج به تجدید سازمان اساسی دارد را دولت ایران قبل از دیگران درک کرده و برای اصلاح و ترقی ارتش اقدامات موثر و مفیدی انجام داده که از جمله‌ی آن جلب مستشاران آمریکایی برای وزارت جنگ می‌باشد و بهتر بود دکتر میلسیو قبل از اظهار این عقاید، به سرلشکر ریڈلی رئیس هیأت مستشار وزارت جنگ، مراجعه کرده و از اصلاحات به عمل آمده‌ی وی مطلع می‌شد، زیرا بودجه‌ی درخواستی ارتش بنا به درخواست سرلشکر ریڈلی و همکاران او تنظیم شده است. همچنین درخواست بودجه‌ی اضافی برای تأمین خوراک و پوشاک و بهداشت ارتش، به دلیل گرانی روزافزون اجناس و بالا رفتن قیمت‌ها بوده که آن نیز ناشی از سوء اداره‌ی امور مالی و اقتصادی کشور است و نیز این مطلب ذکر شده بود که افسران و سربازان کشور که با تحمل سختی‌ها، در دورترین نقاط کشور انجام وظیفه می‌کنند، تنها به میل میلسیو نمی‌توانند از ضروریات اولیه‌ی زندگانی یعنی خوراک و پوشاک محروم بمانند. طی این نامه، اطمینان داده شده بود که دولت و ملت ایران برای تأمین وسائل معیشتی ارتش کشورشان از پرداخت مخارج ضروری برای آنان دریغ نخواهند کرد.^{۸۵}

میلسیو با تلاش‌هایی که در جهت محدود ساختن بودجه‌ی ارتش می‌کرد، شاه و افسران ارتش را نگران می‌ساخت.^{۸۶} اطرافیان میلسیو نیز با وی در مورد مطرح کردن نظراتش در آن شرایط خاص موافق نبودند: «میلسیو به خاطر ندانم کاریش و نداشتن شم سیاسی، کارها را برای دوستانش (انگلیسی‌ها) مشکل می‌کند. چند روز پیش او مصاحبه‌ایی انجام داده و مطابق

۸۵ اطلاعات (۱۳۲۳ / ۳ / ۱۶)، ش ۵۴۸۵، ص ۱.

۸۶ لوئیس فاوست، *ایران و جنگ سرد*، ترجمه کاوه بیات (تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴)، ص ۲۰۹.

گزارش، در آن گفته است ارتش، ژاندارمری و شهرداری ایران در شکل کنونی‌شان غیر ضروری است و اگر مخارج اضافی پیشنهاد شده توسط این نیروها، تصویب شود هر نوع مخارج قابل توجه برای بهداشت، آموزش و پرورش و کشاورزی غیر ممکن خواهد بود.^{۸۷}

نتیجه‌گیری

وضعیت ارتش پس از شهریور ۱۳۲۰، موجب شد عشایر شورش کنند. وزارت جنگ، برای مواجهه با مسأله‌ی عشایر، برقراری نظم و آرامش در قسمت‌های مختلف کشور و نیز همکاری با ارتش متفق که در سراسر کشور حضور داشتند، قصد داشت تعداد سربازان خود را افزایش دهد. بنابراین، ناچار بود برای تأمین سلاح و مایحتاج بخش‌های مختلف خود، درخواست اعتبار بیشتری کند؛ اما میلسپو که مسئول تأمین اعتبارات درخواستی وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف بود و وظیفه داشت بودجه‌ی کشور را تعدیل و تنظیم نماید، از بخش‌های مختلف دولتی و همچنین ارتش خواست تا در هزینه‌های خود صرفه‌جویی کنند تا بدین ترتیب مقداری از کسر بودجه برطرف شود. ولی به دلیل افزایش قیمت‌ها، کاهش اعتبار درخواستی میسر نبود. میلسپو برای جلوگیری از اختصاص اعتبار فراوان برای ارتش که مدام درخواست می‌شد، ابتدا پیشنهاد کرد که با ایجاد نظم و تشکیلات موثر و با کاهش نفقات می‌توان این وزارتخانه را تجدید سازمان کرد، زیرا تشکیلات فعلی ارتش اضافه و بودجه‌ی آن برای اداره‌ی تشکیلاتش فراوان است و این در حالی است که کارایی لازم را ندارد. در مورد جنگ با عشایر نیز معتقد بود اگر دولت به درخواست‌های آنان توجه و نیازهای به حق آنها را تأمین کند، آنان اغتشاش نخواهند کرد و بدین ترتیب نیازی به جنگ و تأمین بودجه‌ی آن نیست. علاوه بر جبران کسری بودجه، هدف دیگر میلسپو از خودداری پرداخت بودجه‌ی فراوان به ارتش، جلوگیری از گسترش و افزایش قدرت آن و در نتیجه افزایش نیروی دیکتاتوری شاه بود. زیرا ممکن بود او نیز مانند پدرش پس از کسب قدرت در راه گسترش نفوذ خود، با میلسپو و اقدامات وی مشکل پیدا کند. این اقدامات میلسپو، نارضایتی مسئولان ارتش و به خصوص محمدرضا پهلوی را در پی داشت و موجب شد که محمدرضا پس از مدتی مانند سابق از وی حمایت نکند. طرح موضوع محدود

۸۷. نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران، ترجمه غلامحسین

کردن ارتش، با توجه به وضعیت خاص داخلی و ناامنی که به دلیل شرایط جنگی، همچنین حضور متفقین و اغتشاش عشایر ایجاد شده بود، در آن موقع حساس مناسب نبوده و می‌بایست به وقت دیگری موکول می‌شد. هرگونه اصلاحی در این زمینه نیاز به کار کارشناسی دقیق داشت و میلسیو می‌بایست هرگونه پیشنهاد خود را با کارشناسان و مسئولان مربوطه در میان می‌گذاشت، نه اینکه به صورت علنی و مکرر در جراید مطرح کند.

کتابنامه

کتاب‌ها

- بولارد، سرریدر. **نسترها باید بروند**. ترجمه حسین ابوترابیان. تهران: نشر نو، ۱۳۶۲.
- بوندارفسکی، گریگوری لوویچ. **تاریخ توسعه طلبی آمریکا در ایران**. ج ۱. تهران: آلفا، ۱۳۵۸.
- تبرائیان، صفاءالدین. **ایران در اشغال متفقین**. تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.
- ذوقی، ایرج. **ایران و قدرت‌های بزرگ در جنگ جهانی دوم**. ج ۲. تهران: پازنگ، ۱۳۶۸.
- طیرانی، بهروز. **اسناد احزاب سیاسی ایران**. ج ۲. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۴.
- عاقلی، باقر. **میرزا احمدخان قوام السلطنه در دوران قاجاریه و پهلوی**. تهران: انتشارات جاویدان، ۱۳۷۷.
- عبده، جلال. **چهل سال در صحنه**. ج ۲. ویرایش و تنظیم: مجید تفرشی. تهران: رسا، ۱۳۶۸.
- فاوست، لوئیس. **ایران و جنگ سرد**. ترجمه کاوه بیات. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۴.
- گذشته چراغ راه آینده است. پژوهش گروهی جامی. ویراستار: بیژن نیک بین. تهران: نیلوفر، ۱۳۶۲.
- مکی، حسین. **تاریخ بیست ساله ایران**. تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۴.
- میلسیو، آرتور. **آمریکایی‌ها در ایران**. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: البرز، ۱۳۷۰.
- نامه‌های خصوصی و گزارش‌های محرمانه سر ریدر بولارد سفیر کبیر انگلستان در ایران**. ترجمه غلامحسین میرزا صالح. تهران: طرح نو، ۱۳۷۱.

اسناد

- مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه ایران. سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۱-۳۱.
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۳۸-۱۴.

- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۱-۹ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۸-۹ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۴۲-۱۴ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۵۲-۱۴ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۴۲-۹ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۱۲، پرونده ۱۷-۹ .
- _____ . سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۶، پرونده ۱۱ - ۵-۶ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۲/۲، پرونده ۱۵-۵۷ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۲/۲، پرونده ۱۲-۵۷ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۹-۷ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۳۴، پرونده ۲۹-۵ .
- _____ . سال ۱۳۲۱، کارتن ۲۱، پرونده ۲-۷ .
- _____ . سال ۱۳۲۳، کارتن ۴۱، پرونده ۱۴-۴ .
- _____ . سال ۱۳۲۳، کارتن ۵۲، پرونده ۶-۶۸ .

روزنامه اطلاعات

- اطلاعات. گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۱۰ / ۲۰). شماره ۵۳۶۶. صفحه ۱ .
- _____ . گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۱). شماره ۵۱۶۷. صفحه ۱ .
- _____ . گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۲ / ۲۲). شماره ۵۱۶۸. صفحه ۱ .
- _____ . گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۴ / ۲۷). شماره ۵۲۲۴. صفحه ۳ .
- _____ . گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۶). شماره ۵۲۴۷. صفحه ۱ .
- _____ . گزارش ماهیانه‌ی رئیس کل دارایی (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۷). شماره ۵۲۴۹. صفحه ۴ .
- _____ . (۱۳۲۲ / ۳ / ۱۹). شماره ۵۱۹۲. صفحه ۱ .
- _____ . (۱۳۲۲ / ۵ / ۲۲). شماره ۵۲۴۵. صفحه ۱ .
- _____ . (۱۳۲۲ / ۶ / ۲۴). شماره ۵۲۷۳. صفحه ۱ .
- _____ . (۱۳۲۳ / ۳ / ۱۶). شماره ۵۴۸۵. صفحه ۱ .
- _____ . (۱۳۲۳ / ۳ / ۲۴). شماره ۵۴۹۲. صفحه ۱ .

مذاکرات مجلس

مذاکرات مجلس سیزدهم شورای ملی. (۲۹ / ۲ / ۱۳۲۲). جلسه ۱۶۳.

_____ . (۳ / ۳ / ۱۳۲۲). جلسه ۱۶۴.

_____ . (۶ / ۶ / ۱۳۲۲). جلسه ۱۸۶.

_____ . (۲۶ / ۱ / ۱۳۲۳). جلسه ۱۸.

_____ . (۲۲ / ۵ / ۱۳۲۳). جلسه ۵۰.

_____ . (۲۶ / ۶ / ۱۳۲۳). جلسه ۶۱.

_____ . (۲۶ / ۱ / ۱۳۲۳). جلسه ۱۸.

_____ . (۲۳ / ۷ / ۱۳۲۳). جلسه ۷۱.

_____ . (۳۰ / ۷ / ۱۳۲۳). جلسه ۷۳.

_____ . (۲ / ۸ / ۱۳۲۳). جلسه ۷۴.

_____ . (۹ / ۹ / ۱۳۲۳). جلسه ۷۹.

_____ . (۲۹ / ۱۱ / ۱۳۲۳). جلسه ۱۰۵.

_____ . (۳ / ۱۲ / ۱۳۲۳). جلسه ۱۰۷.





شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی